

بهائیت در ایران

بهائیت در ایران

○ بهائیت در ایران

○ تألیف: سید سعید زاهد زاهدانی

○ ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰

○ بیژن خواجه‌نوری



کتاب بهائیت در ایران تألیف دکتر سید سعید زاهد زاهدانی - استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز - در قطع وزیری در ۳۲۲ صفحه توسط «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» در سال ۱۳۸۰ به تعداد ۲۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده است.

اگرچه انتخاب موضوع به عنوان یک بحث جامعه‌شناسی سیاسی متأثر از دیدگاه و همچنین علائق تخصصی نویسنده در جامعه‌شناسی جنبش‌های سیاسی - اجتماعی است، لیکن تلاش نموده، در سراسر کتاب با یک رویکرد علمی و براساس روش‌های موجود در جامعه‌شناسی تاریخی بدون جهت‌گیری مذهبی به پیدایش بهائیت در ایران و مراحل مختلف آن تا زمان حاضر پردازد.

بن مایه اصلی کتاب حول محور این اندیشه است که در صد سال گذشته، هرگاه ملت ایران تلاش نموده تا با توسل به جنبش‌های مردمی درجهت بهبود شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود برآید، استعمارگران هم‌زمان جنبشی هم‌زاد در کنار آن به راه انداخته‌اند تا عملاً جنبش‌های اصیل را به انحراف بکشانند. به اعتقاد نویسنده جنبش بهائیت زمانی آغاز گردید که روحانیت شیعه در جهت اصلاحات مذهبی به رهبری آیت‌الله وحید بهبهانی و آیت‌الله سعید نجفی برآمدند.

با توجه به فراز بالا به بررسی و معرفی کتاب حاضر می‌پردازیم:

کتاب بهائیت در ایران شامل سه بهره (بخش) و هفت فصل است در آخر هر فصل یک نتیجه‌گیری نیز آمده است. بهره اول شامل کلیات یعنی مقدمه، ضرورت تحقیق، هدف تحقیق، سؤال اصلی و فرضیه تحقیق، نظریات موجود و نهایتاً نظریه و مدل تحقیق می‌باشد. بهره دوم شامل پیدایش بهائی‌گری، زمینه، ایدئولوژی و کنشگران بهائیت می‌گردد. در بهره سوم بهائی‌گری از آغاز تا امروز و تعامل و نقش آن در انقلاب مشروطه، در دولت پهلوی و رابطه آن با ملت و در نهایت تعامل جمهوری اسلامی با آن مورد بحث قرار می‌گیرد. در کتاب می‌خوانیم که بهائی‌گری به عنوان یک جنبش اجتماعی در قرن سیزدهم هجری / نوزده میلادی در ایران پا به عرصه وجود گذاشت و به عنوان حرکتی علیه سنت‌های دینی و اجتماعی حاکم بر جامعه،

همچنان به حیات خود ادامه داده است. این جنبش به همراه سایر حرکت‌ها و مکاتب سکولار، همواره درجهت مقابله با حرکت‌های احیای سنت‌های ملی - دینی ایستاده و حرکت‌های سنت‌شکن را تأیید کرده است.

هدف تحقیق: بررسی چند و چون بهائیت از آغاز تا امروز بیان شده است. سؤال این است که فرقه‌های شیخیه، بابیه، ازلیه و بهائیه که همگی تحت عنوان بهائی‌گری در ایران خلاصه می‌شوند، کی، چرا، چگونه و توسط چه کسانی به وجود آمده‌اند؟ دیدگاه و اعتقادشان چیست و در مقابل حوادث مختلف در ایران، از آغاز تا پیدایش تاکنون چگونه موضع‌گیری نموده‌اند؟ به نظر نویسنده، جنبش اجتماعی عبارت است از: حرکت مجموعه‌ای از انسان‌ها به صورت سازمان یافته و با یک ایدئولوژی مشخص، تحت نظارت و رهبری فرد و یا افرادی خاص در زمینه امکانات و محدودیت‌ها.

این حرکت می‌تواند یک حرکت انقلابی برای ایجاد تغییر و تحولی بنیادی باشد و یا حرکت آرام برای ایجاد تغییری تدریجی، وی هماهنگ با چارلز تیلی - جامعه‌شناس مشهور ایتالیایی - معتقد است که ایدئولوژی، نشانه هر جنبشی است.

مدل نظری تحقیق، متشکل از سه عامل اساسی است که عبارت‌اند از: کنشگران با رفتار خود (افراد)، ایدئولوژی (روابط) و زمینه اجتماعی (جامعه). ترکیب این سه جزء یعنی افراد، روابط و جامعه به اعتقاد وی دیدگاه کامل‌تری در توصیف و تحلیل جنبش‌های اجتماعی، ارائه خواهد داد. در همین راستا وی نظریه اقتدار را به کار می‌گیرد.

فرض تحقیق این است که بهائیت که در ابتدا برای شکسته شدن کیان و یا اقتدار مذهبی و ایجاد مجال برای پراکنده شدن اجزای کشور همچون سایر جنبش‌های هم‌نوع خود در عثمانی و هند توسط

سیاستمداران روسیه و انگلیس در اوایل قرن نوزدهم به کار گرفته شد، به علت مقاومت دولت مردم و روحانیت اصیل به عنوان سنگربانان مذهب نتوانست اقتدار ملی را که همان مذهب شیعه بود در هم شکسته و تفرقه ملی ایجاد نماید. استعمارگران پس از عدم توفیق در این زمینه، در صدد برآمدن تا از این مسلک در استقرار نظام اجتماعی وابسته به غرب در ایران سود جستند، و از این جنبش در راستای منافع خویش و مقابله با اقتدار اسلامی در منطقه بهره‌گیری کردند.

نویسنده برای آزمون فرضیه، از روش تحقیق کیفی و اسنادی بهره‌جسته و مطالعه موجود، از نوع مطالعات موردی است.

دکتر زاهد در نتیجه‌گیری‌های خود بیان می‌دارد: جهت‌گیری کلی ایدئولوژی بهائیت، جداسازی ملت ایران از مراجع تقلید (که در عقاید شیعی، نواب امام زمان تلقی می‌شوند) و مشغول کردن آنان به مکتبی ساخته بشر است. مکتبی که جنبه‌های غیرعقلانی آن بر جنبه‌های عقلانیت فزونی دارد و به تدریج از صحنه عملی زندگی اجتماعی و سیاسی خارج می‌گردد و در نهایت گرایش به این ایدئولوژی موجب جدا شدن مردم از دین و دینداری گردیده و پیوستن به مکاتب غیردینی را تسهیل می‌نماید.

همچنین در سیر تحولات تدریجی کنشگران بهائیت می‌بینیم که رهبری آنان، نهایتاً به نوعی رهبری حزبی مبدل می‌شود. این تحولات از فرقه شیخیه که با جدا شدن از روحانیت شیعه، خود را در پناه اقتدار دولت وقت ایران قرار داده بود، آغاز گردید. مخالفت باب با اقتدار دولت و روحانیت به جدا شدن بابیان از دولت و ملت ایران انجامید. سپس با طرد جانشینان باب از کشور، رهبران این فرقه به طور کلی جهان وطنی اختیار نموده، در دامن اقتدار کشورهای بیگانه قرار گرفتند و به عواملی در خدمت دول استعمارگر مبدل شدند.

وی در نهایت نتیجه می‌گیرد که براساس مباحث کتاب، فرضیه یا نظریه تحقیق مبنی بر استفاده از جنبش بهائیت توسط قدرت‌های استعماری برای شکستن کیان و اقتدار دینی در ایران تأیید می‌شود، زیرا هر جا که موضوع دین‌زدایی از نهاد سیاست و یا جامعه مطرح بوده است، بهائیان نقش فعال داشته‌اند.